

محلات منطقه ما: خواجه ربیع، بسال، بهمن
دروی سیس آباد، طبرسی شمالی، رسالت، گاز، فاطمیه
راه آهن، هاشمی نژاد، مهرگان، شهید احمدی روشن
شهید شهر یاری، شهید علی محمدی

شهر آرا

محل

شماره روزنامه شهر آرا: ۲۹۸۸
هفته نامه محلی مردم مشهد / شماره ۳۶۷ / یکشنبه / ۱۷ آذر ۹۸
۸ صفحه

در یافت نسخه الکترونیک شهر آرا محله از SHAHRARANEWS.IR

ماجرای موتور برق عتیقه مرسدس بنز و تأمین روشنایی باغ نادری

شهر دار منطقه ۳ در باز دید از جاده سیمان:

طرح «آتش نشان داوطلب» در منطقه ۳ اجرایی شود

آهن قراضه با ارزش

یکی از عجیب ترین چیزهایی که می توانید در باغ نادری پیدا کنید، یک موتور برق عتیقه با آرم مرسدس بنز در گوشه ای پرت از باغ است که نه اطلاعات درست و حسابی و به درد بخوری روی پلاک برنجی چسبیده به آن نوشته اند و نه راهنمایان موزه در باره اش توضیح در خوری به بازدید کنندگان می دهند تا هیچ کس از فلسفه وجود...

با احداث محور کندرو، مشکلات ترافیکی رسالت شمالی حل می شود

یکی از معابر اصلی منطقه ما خیابان رسالت شمالی یا همان جاده سیمان معروف است. کارکنان شرکت سیمان، اهالی شهرک مهرگان، همت آباد، سیس آباد، روستاهای بالادست و... از همین خیابان تردد می کنند...

هر خانواده یک امداد گر

«خانم آقای ایمنی» عنوانی است که اغلب دوستان و آشنایان نشان برای خطاب آن ها به کار می برند هر محیطی که پا می گذارند نخستین چیزی که توجهشان را جلب می کند، نحوه چیدمان اشیاست و اینکه آیا محیط، امن و ایمن هست یا نه؟ شش دانگ حواسشان به اطراف هست. مثلاً از قرار گرفتن زیر لوستر خودداری کنند...



ماجرای خواندنی یک تصویر کاربری

مهد کودک در آرامگاه جانباختگان جنگ ظفار



shahraranews.ir

از آموزش شهروندی نمی‌توان غافل شد

حرف اول



سعید لاجوردی شهروند

با سطح کنونی زندگی شهر و ندی از توجه به فرهنگ شهر و ندی و آموزش‌های مرتبط با آن نمی‌توان غافل شد. مقوله فرهنگ و تغییرات بنیادین همراه آن مقوله‌ای نیست که بتوان در روزگار فعلی آن را نادیده گرفت و باید برای آن تدابیر مناسب و متناسبی اندیشیده شود.

شهروندی، مجموعه گسترده‌ای از هنجارها و رفتارهای فردی و اجتماعی متناسب جامعه امروزی است که گرچه در رده رفتارهای فردی قرار داده می‌شود ولی دارای تأثیرات بس گسترده بر وضعیت اجتماعی است.

مقوله شهروندی زمانی تحقق می‌یابد که افراد جامعه از حقوق مدنی و اجتماعی مناسب برخوردار و به فرصت‌های لازم دسترسی داشته باشند و هر یک در برابر حقوق اجتماعی خود مسئولیت اجتماعی متناسب را در حوزه مورد مشارکت در راستای اداره بهتر جامعه شهری بر عهده بگیرند. در این بین رابطه شهروندی شکل می‌گیرد و اداره جامعه به بهترین شکل ممکن انجام می‌شود.

نکته مهم شناخت این حقوق و تکالیف است که به ایجاد رابطه شهروندی منجر می‌شود. به طوری که هر چه حقوق و تکالیف هم‌سنگ‌تر و در تبیین آن شفافیت بیشتری به کاررفته باشد، جامعه از حالت متعادل‌تر و آرام‌تری برخوردار است و بستر توسعه فراهم‌تر می‌شود.

در این میان نقش آموزش‌های شهروندی را نمی‌توان نادیده گرفت به طوری که می‌توان آن را بنیان و بستر لازم برای فرهنگ شهروندی نامید.

به عبارت دیگر آموزش شهروندی، نظامی قانونمند و منظم برای نهادینه‌سازی و انتقال مفاهیم مرتبط با حقوق و تکالیف به شهروندان بر اساس کرامت انسانی است، در جامعه فعلی ما که ارزش‌های اسلامی از اصول لاینفک زندگی روزمره است حقوق و تکالیف اجتماعی باید افزون بر کرامت انسانی منطبق بر اصول دین اسلام باشد که این مهم باید بستر و زمینه آموزش‌های شهروندی باشد.

آموزش‌های شهروندی مبتنی بر یک سه‌ضلعی شهروند، فضاهای شهری و مدیران شهری است که برقراری توازن همه‌جانبه در این سه‌ضلعی به دستیابی به الگوی صحیح رفتاری در اصول شهروندی و در نهایت دستیابی به فرهنگ شهروندی منجر می‌شود.

از آنجا که در زندگی شهرنشینی دیدگاه‌ها و ارزش‌های زندگی شهری بر مفاهیم توسعه‌پایدار سایه افکنده است، مدیران و برنامه‌ریزان شهری در راستای آموزش‌های شهروندی نیاز به دیدگاه‌های جامع و تحقیق محور دارند و به بیانی دیگر هرگونه رهیافت در این حوزه باید متناسب با تحلیل دقیق تغییرات سریع زندگی شهرنشینی باشد تا به تعالی فرهنگ شهروندی منجر شود.

کلام آخر فرهنگ شهروندی در واقع قسمتی از فرهنگ فردی است که در تناسب با مفهوم زندگی شهری و ارتباطی شهروندان شکل گرفته است و نباید از این نکته غافل شد که آموزش شهروندی باید در راستای ارتقای این فرهنگ باشد و هرگونه برنامه مدیریتی در زمینه این آموزش‌ها باید با ارزیابی کاملی از بازخوردها و نمودهای آن در جامعه باشد تا چنانچه به ایجاد تغییراتی متناسب با شرایط نیاز بود این تغییرات در اسرع وقت و با کمترین باز خورد منفی اعمال شود. ■



شهر دار منطقه ۳ در بازدید از جاده سیمان:

با احداث محور کندرو، مشکلات ترافیکی رسالت شمالی حل می‌شود

دوبله و سوبله پارک کرده‌اند که تعدادی از آن‌ها مسافر برهای شخصی هستند و برای مسافر خیابان را بسته‌اند. مشکلات ترافیکی جاده سیمان تا شهرک مهرگان بیشتر مواقع ادامه دارد.

حجت فرقانی، شهردار منطقه ۳، هفته گذشته بازدیدی از این محور داشته است، وی تعیین تکلیف معابر کندرو و پیاده‌رو بولوار رسالت شمالی به دلیل ترافیکی موجود را جزو اولویت کاری منطقه آورده است.

شهردار منطقه ۳ با اشاره به بار ترافیکی جاده سیمان افزود: بولوار رسالت شمالی، بولوار اصلی تردد محور ارتباطی شهرک مهرگان و روستاهای اطراف است و خودروهای سنگین حمل سیمان و... در این محور تردد زیادی دارند. طی سال‌های گذشته که این محدوده و شهرک مهرگان به محدوده شهری اضافه شده است، ترافیک و تردد در این محور افزایش چشمگیری داشته است؛ طرح‌های گذشته اجرا شده از طرف اداره راه و پیشنهادهای طرح تفصیلی مهرآزان و طرح جدید در حال مطالعه، مصوبات کمیسیون ماده ۵، طرح اجرایی عمرانی، مدیرکل برنامه‌ریزی پروژه‌های عمرانی و سازمان ترافیک در شهرداری منطقه تشکیل و برای تعیین

وارد خیابان می‌شوند و به بار ترافیکی می‌افزایند. موضوع مهم‌تری که ترافیکی‌را سنگین‌تر کرده است دقیق مقابل در میدان بار نوغان است، دو طرف این خیابان خودرو پارک شده است و مالکان آن‌ها برای خرید میوه و صیفی جات به داخل میدان بار رفته‌اند که اگر پلیس راهور کمی نظارت داشته باشد می‌تواند نظم بدهد و ترافیک را روان‌تر کند.

با یکی از کسبه حاشیه خیابان که در حال فروش قارچ است هم کلام می‌شوم او می‌گوید: ترافیک این محدوده هر روز سنگین است! تا زمانی که میدان بار نوغان عقب‌نشینی نکند همین آش و همین کاسه است!

عباس زاده می‌گوید: بسیاری از شهروندان از جاده سیمان عبور می‌کنند و خودشان را به سپس آباد، همت‌آباد، قرقی، شهرک مهرگان و... می‌رسانند که جمعیت زیادی را در خود جای داده است. ترافیک داستان هر روز اینجاست؛ مردم ناراضی هستند و مستولان برای حل این مشکل فکری نمی‌کنند.

وارد خیابان رسالت شمالی می‌شویم، ترافیک سنگین است، عبور و مرور به‌کندی انجام می‌شود تعداد زیادی خودرو در حاشیه خیابان به‌صورت

یکی از معابر اصلی منطقه ما خیابان رسالت شمالی یا همان جاده سیمان معروف است. کارکنان شرکت سیمان، اها لی

شهرک مهرگان، همت‌آباد، سپس‌آباد، روستاهای بالادست و... از همین خیابان تردد می‌کنند. یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که شهروندان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند بار ترافیکی آن است. در ادامه گزارشی از مشکلات ترافیکی و برنامه شهرداری منطقه ۳ برای حل این مشکل آمده است. معمولاً ساعت‌های انتهایی روز قبل از اینکه بخواهیم وارد جاده سیمان بشویم ترافیک سنگین شروع می‌شود. از خیابان شهید میرزایی ۴۲ آهسته و پیوسته مسیرمان را ادامه می‌دهیم اولین مسئله‌ای که توجهمان را به خود جلب می‌کند خودروهایی است که در حاشیه خیابان صف گاز متوقف شده‌اند و به همین واسطه خیابان کم‌عرض‌تر شده است. حدود ۱۰۰ متر جلوتر پمپ‌بنزین به چشم می‌خورد، خودروها بعد از سوخت‌گیری



رسالت شمالی تا مهرگان کندرو است که در صورت اجرا کاهش ترافیک عبوری را در پی خواهد داشت

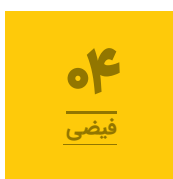


دریافتی به قلم دوربین

گرمای مهربانی در جاده سیمان

با شروع فصل سرما فراخوان جمع‌آوری لباس گرم و دریافت کمک‌های نقدی برای نیازمندان انجام شد؛ به همت خیران لباس‌های نوگرم زمستانی تهیه و به دانش‌آموزان نیازمند جاده سیمان اهدا شد. تهیه در پایان افزود: این کمپین پنجشنبه‌های هر هفته با کمک و مشارکت خیران غذای گرم آماده و در بین خانواده‌های محروم این منطقه کم‌برخوردار توزیع می‌کند. ■

جمعه گذشته به همت کمپین «حامیان فرشته‌های محرم» لباس زمستانه به دانش‌آموزان نیازمند جاده سیمان اهدا شد. به گزارش شهرآرامحله، زمره تبهی یکی از اعضای فعال این کمپین گفت: ■



هفته گذشته آتش نشانان داوطلب منطقه ۳ از ایستگاه شماره ۸ طبرسی شمالی بازدید کردند. به گزارش شهر آرامحله، طرح آموزش و بهره‌گیری از نیروهای داوطلب آتش نشان و امدادی از اولویت‌ها و برنامه‌های مهم مدیریت سازمان آتش نشانی مشهد محسوب می‌شود چراکه این نیروهای آموزش دیده در مواقع لازم می‌توانند به‌عنوان مکمل امداد رسانی و نجات‌دهنده

جان و مال مردم در حوادث گوناگون و نیز دستیابی به سطح بالاتر ایمنی شهری جایگاه و نقش ویژه‌ای داشته باشند. هفته گذشته جمعی از آتش نشانان داوطلب در قالب کلاس آموزشی از ایستگاه شماره ۸ آتش نشانی واقع در خیابان طبرسی شمالی ۱۰ بازدید کردند و با تجهیزات ایستگاه شامل خاموش‌کننده‌ها، خودروهای امدادی و... آشنا شدند. ■



طرح «آتش نشان داوطلب» در منطقه ۳ اجرا می‌شود

هر خانواده یک امدادگر



۳
فیضی

ثبت نام باید شهروندان چه کار کنند؟ دوره آموزشی ۲ روز در هفته برگزار می‌شود در مجموع ۳۰ ساعت است و در ۳ بخش برگزار می‌شود. بخش اول ۸ ساعت کلاس توجیهی است که شهروندان باید سرفصل‌هایی هم چون ایمنی در منزل و کارگاه‌های تئوری و عملی کار با خاموش‌کننده دستی را بگذرانند. بخش دوم، دوره مقدماتی ۲۲ ساعت است در این بخش شهروندان با ایمنی و پیشگیری از حریق و کمک‌های اولیه، مدیریت و اصول کار تیمی آشنا می‌شوند. بخش سوم دوره تور ایستگاهی است که به اتفاق آتش نشانان داوطلب در ایستگاه آتش نشانی حاضر می‌شویم و با تجهیزات و وسایل آتش نشانی آشنا می‌شوید و سپس مانور عملی برگزار می‌شود. شهروندان برای ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با شماره ۳۷۴۲۳۴۵۳ تماس بگیرند یا به فرهنگسرای قرآن و عترت واقع در خیابان خواجه ربیع ۷ بخش آموزش مراجعه کنند.

● استقبال شهروندان منطقه ۳ از طرح آتش نشان داوطلب چطور بوده است؟

شروع طرح از مهر ماه امسال بود، خدا را شکر افراد دغدغه‌مندی در منطقه ۳ ساکن هستند طی یک ماه حدود ۱۵۰ شهروند آموزش‌های لازم را دیدند و به جمع آتش نشانان داوطلب پیوستند.

● حرف آخر؟

خطرات زیادی در کمین همه ماست که به کار گرفتن اقدامات پیشگیرانه مانع حادثه و اتفاق ناگواری می‌شود. از طریق این تریبون از همه شهروندان درخواست می‌کنم از این فرصت نهایت استفاده را ببرند و در دوره آموزشی شرکت کنند. ■

(از مرگ نجات دهد) مثل آن است که همه مردم رازندگی بخشیده است. طرح آموزش و بهره‌گیری از نیروهای داوطلب سال‌های زیادی است در کشورهای مختلف جهان از جمله ایران در حال اجراست و اثرات مثبت خود را به‌صورت چشمگیر به جای گذاشته است این طرح به‌عنوان مکمل امداد رسانی و نجات جان و مال مردم در حوادث گوناگون و رسیدن به سطح بالای ایمنی شهری و کاهش حوادث و بار عملیاتی ایستگاه‌های آتش نشانی است.

● این دوره آموزشی به چه صورت برگزار می‌شود؟ به چه افرادی آتش نشان داوطلب گفته می‌شود؟

سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری مشهد با در اختیار داشتن مریدان کارآموز و با صرف هزینه و وقت به‌صورت رایگان به‌برگزاری این دوره‌های آموزشی تئوری و عملی اقدام کرده است. آموزش‌هایی که در سطوح مختلف طی سال به آتش نشانان داوطلب داده می‌شود تا در مواقع بحران یاری‌کننده سازمان آتش نشانی باشند. در واقع آتش نشان داوطلب فردی است که به‌صورت داوطلبانه با فراگیری آموزش‌های تخصصی آتش نشانی به کسب گواهی نامه پایان دوره موفق شود و برای رضای خدا و با خواست قلبی برای خدمت به مردم و حفاظت از سرمایه‌های ملی در این راه قدم بگذارد و در مواقع بروز حادثه برای نجات جان و مال همشهریان خود بشتابد.

● شرایط ثبت نام و شرکت در این دوره چیست؟

شهروندان با سن ۱۵ سال به بالا و داشتن علاقه و انگیزه به امداد و کمک‌رسانی می‌توانند در این دوره آموزشی شرکت کنند.

● دوره آموزشی چند روز و چند ساعت است و برای

«خانم و آقای ایمنی» عنوانی است که اغلب دوستان و آشنا یا نشان برای خطاب آن‌ها به کار می‌برند هر محیطی که پا می‌گذارند نخستین چیزی که توجهشان را جلب می‌کند، نحوه چیدمان اشیاست و اینکه آیا محیط، امن و ایمن هست یا نه؟ شش دانگ حواسشان به اطراف هست. مثلاً از قرار گرفتن زیر لوستر خودداری کنند یا فلان قاب عکس را از بالای تخت‌خواب بردارند. در پایین زمستان به هرکجا که می‌روند لوله‌های بخاری را کنترل می‌کنند تا اگر مشکلی برای خروج گازهای سمی وجود داشته باشد به‌سرعت برطرف کنند. این‌ها بخشی از فعالیت‌های یک شهروند است که بعد از شرکت در دوره آموزشی «آتش نشان داوطلب» مسئولیت‌پذیر می‌شود و دغدغه نجات جان هم‌نوعان خود را دارند. در این شماره به سراغ زهره مهدویان فر، کارشناس آموزشی دوره «آتش نشان داوطلب» در منطقه ۳، رفتیم و با وی به گفت‌وگو نشستیم.

● خانم مهدویان فر؛ مختصری از فعالیت‌های اجتماعی خودتان بیان کنید؟

لیسانس دارم و مدتی هست در شهرداری و سازمان آتش نشانی به‌عنوان مربی تدریس می‌کنم، اکنون هم مجری برگزاری طرح آتش نشان داوطلب در منطقه ۳ هستم.

● طرح آتش نشان داوطلب با چه هدفی در حال اجراست؟

طبق آیه ۳۲ سوره مانده هر کس انسانی را نجات بخشد

تکلیف این محور برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری شد. فرقانی تصریح کرد: در نهایت با نظر کارشناسان مرتبط، مقرر شد وفق مصوبه کمیسیون ماده ۵، مشاور طرح ترافیکی، شهرسازی و عمرانی، دوباره محور را بررسی کنند و اجرای طرح به تعویق افتد تا برای تصویب به کمیسیون ماده ۵ ارسال شود؛ همچنین پروژه جاری منطقه بر اساس پیشنهاد مشاور طرح اقدام خواهد شد.

وی احداث محور کندرو در این خیابان را عامل کاهش بار ترافیکی می‌داند و می‌گوید: طرح فعلی محور رسالت شمالی تا مهرگان دارای محور کندرو است که در صورت اجرای آن افزون بر کاهش ترافیک عبوری، زیبایی بصری و نظم شهرسازی را نیز در پی خواهد داشت.

حجت فرقانی با تأکید بر اهمیت مقوله خدمت‌رسانی افزود: ساختن شهری زیبا و مدرن، درگرو ایجاد بسترهای توسعه مناسب در مناطق است و دستیابی به این هدف با سرعت بخشیدن در اجرا و بهره‌برداری پروژه‌ها تسهیل خواهد شد.

وی نیز با تأکید بر تکمیل پروژه‌های عمرانی در منطقه با بالاترین کیفیت تصریح کرد: مهم‌ترین اولویت برای شهرداری همواره جلب رضایت شهروندان است که این مهم با تکمیل و بهره‌برداری از پروژه‌های عمرانی میسر خواهد شد. ■





ماجرای خواندنی یک تغییر کاربری؛

مهد کودک در آرامگاه جانبازان جنگ ظفار

گل دفتر

۵۶

فرنود فغفور مغربی
خبرنگار شهر آرمگاه

شده متناقض بود. این نوشتار در پی روایتی از دیروز کشته شدگان ظفار است و همچنین ادامه ماجرا را نه در کشور عمان بلکه آرامگاه نام آشنای تعدادی از آنان در مشهد یعنی خواجه ربیع دنبال می‌کند. وضعیت این بخش از آرامگاه به طور کامل تغییر کرده است و این روزها میزبان کودکان پیش دبستانی شده است. پاسخ متولی آرامگاه خواجه ربیع در پایان این گزارش می‌تواند تأمل برانگیز باشد.

نزدیک به عمان آن سال‌ها که حکومتی کمونیستی داشتند از شورشیان دفاع کرده بودند. در مقابل، سلطان جوان عمان از حکومت وقت ایران کمک خواست و پهلوی دوم که خود را زاندارم منطقه می‌دانست و تفرق از کمونیست‌ها داشت چندین یگان نظامی در چند نوبت برای مهارشورش‌ها به این شیخ نشین کوچک خلیج فارس فرستاده بود. آن سال‌ها هر چند خبر مشارکت ارتش ایران در جنگ ظفار منتشر شده بود اما حرف چندانی از میزان تلفات ایرانی مخابره نشد یا اخبار منتشر

کشته شدگان جنگ ظفار سر بازانی هستند که سال ۱۳۵۱ به کشور عمان اعزام شده‌اند تا پاسخ مثبتی به درخواست شاه آن کشور در برابر شورشیان ظفار باشند. شورشیان ظفار بنا بر اسناد تاریخی مشی چپ و پان عربی داشتند و خواهان سقوط سلطان عمان و سیستم پادشاهی بودند. بعضی کشورهای



فقط ۲۴ کشته و ۵۵ زخمی دادند، نیروهای ایرانی جلوتر از ارتش‌های انگلیس و عمان در صف اول درگیری‌ها بودند و بعد از پاک‌سازی منطقه، آن را تحویل انگلیسی‌ها می‌دادند. شاه پهلوی تعداد کشته‌شده‌های ایران را فقط ۵۰ نفر اعلام کرد؛ در حالی که در مراسم آیین جاوید که طی سال‌های ۵۲ تا ۵۴ برگزار شد، به بیش از ۲۰۰ نفر از خانواده‌های کشته‌شدگان ارتش نشان اعطا شد!

بر اساس آنچه تاریخ‌نگار خبری مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران با استفاده از مدارک و شواهد و اظهارات مقامات رسمی رژیم پهلوی منتشر کرده است ارتش ایران از شروع عملیات نظامی خود در ظفار در آذرماه ۱۳۵۲ تا پایان سال ۱۳۵۴، ۲۵ درجه‌دار و ۱۸۶ سرباز کشته و بیش از ۷۰۰ مجروح، تلفات داده است. این آمار، غیر از تلفات اندک و پراکنده نیروهای ایران در خلال سال‌های ۱۳۵۵ تا اواخر سال ۱۳۵۷ است.

از تعداد نیروهای اعزامی ایران به این منطقه ارقام موثقی در دست نیست و در گزارش‌های مختلف از ۶۰۰ تا ۴ هزار نفر برآورد شده است. این عملیات ۳ سال طول کشید و آمار کشته‌شدگان هیچ‌وقت به صورت رسمی اعلام نشد اما برخی منابع ارتش به کشته‌شدن بیش از ۷۲۰ نفر از نیروهای ارتش ایران و مجروح شدن بیش از ۱۴۰۴ نفر اشاره دارند. خبر جنگ ایران با ظفار تا ۱۳۵۳ به صورت رسمی اعلام نشد. در آن سال حکومت وقت گزارش‌گرانی را به منطقه فرستاد. سرانجام حکومت ایران روز ۲۵ مهر ۵۴ اعلامیه پایان کار شورشیان را صادر کرد و سلطان قابوس در آذر ۱۳۵۴ به طور رسمی اعلام کرد که جنگ ظفار پایان یافته است. جنبش آزادی‌بخش عمان در سال ۱۹۸۱ منحل شد. برخی از نیروهای ارتش ایران باقی مانده در عمان با وقوع انقلاب ۱۳۵۷ به ایران بازگشتند. مقایسه آمار کشته‌ها خالی از توجه نیست. در حالی که نیروهای انگلیسی مستقر در منطقه

ارتش ایران در صلا و شرکت در عملیات نظامی شدت یافت. گفته می‌شود نخستین یگان‌های نظامی ایران که اعزام عمان شدند تا درگیر جنگی شوند که قرار بود ثابت کند ایران زاندارم منطقه است، اغلب سربازان لشکر ۷۷ خراسان و تیپ ۲ قوچان بودند.

چرا «ظفار»؟

منطقه ظفار جنوبی‌ترین استان سلطان نشین عمان از ۲ بخش خشک و کوهستانی تشکیل شد و مردم آن از لحاظ نژاد و فرهنگ و زبان با دیگر مناطق این کشور تفاوت دارند. همین دلایل و از همه مهم‌تر فقر بیش از حد این مردم، سبب شد جنبش استقلال‌خواهی در قالب یک فعالیت چریکی کمونیستی با حمایت برخی کشورهای در این منطقه شکل بگیرد و چریک‌های پابره‌ن اهل ظفار، عرصه را بر پادشاه تازه‌نفس عمان تنگ کنند.

برگی از تاریخ جنگ‌های ایران

در سال ۱۳۴۹ «سعید بن تیمور» با کودتای پسرش برکنار شد. سلطان جدید که به «سلطان قابوس» مشهور شد، با گسترش مبارزات جنبش آزادی‌بخش ظفار رو به رو بود. این جنبش تا اوایل دهه ۵۰ توانسته بود به پیروزی‌هایی دست یابد و مناطقی را در عمان تصرف کند. از آنجا که بریتانیا از عمان و خلیج فارس بیرون رفته و جز مستشاران اندکی در آن نمانده بودند، سلطان قابوس از کشورهای عربی درخواست کمک کرد. در ظاهر جز «اردن» کشور دیگری دخالت نکرد و بنابراین سلطان قابوس به صورت رسمی از ایران درخواست دخالت و همکاری نظامی کرد. این همکاری مشترک در سال ۱۳۵۱ با امضای پیمان دوجانبه در تهران آغاز شد و در آذر ۱۳۵۱ اولین یگان نظامی ایرانی وارد عمان شد. این روند با درخواست سلطان قابوس در ۲۹ آذر ۱۳۵۲ برای پیاده شدن واحدهای واکنش سریع

کتاب «شمیم زهد» تحقیقی در باره شخصیت وزندگانی ربیع بن خثیم معروف به «خواجه ربیع» و زهددوری او از محبت دیناست. در این کتاب به توصیف شخصیت اخلاقی و معنوی ربیع بن خثیم و برخی از رفتارها و گفتارهای زاهدانه او پرداخته شده است. در همین راستا نگارنده به نمونه‌هایی از اخلاص، زهد، شب‌زنده‌داری، سکوت و حفظ زبان، راست‌گویی،

- ماجرا به مشهد می رسد**

به واسطه اینکه بخشی از سربازان و احتمالاً درجه‌داران کشته‌شده در جنگ ظفار از لشکر ۷۷ بودند و مرکز این لشکر مشهد بوده است تعدادی از این افراد در حاشیه آرامگاه خواجه ربیع دفن شده‌اند. هم اکنون زیر زمینی در باغ دوم آرامستان خواجه ربیع میزبان بیش از ۲۰ تن از جوانان ایرانی است که دور و بر چهار دهه پیش در منطقه ظفار عمان در خون خویش غلتیدند.

یکی از نگهبانان آرامگاه خواجه ربیع به ما می‌گوید: بیشتر افرادی که در اینجا به خاک سپرده شده‌اند، اهل مشهد نیستند. میان این کشته‌شدگان افرادی از سمنان، تبریز، همدان، قوچان و فاروج هستند. به سراغ قبرها که می‌رویم این ادعا ثابت می‌شود. از چهره‌ها، نام‌های خانوادگی و همچنین محل تولد معلوم است که دفن‌شدگان اغلب مشهدی یا خراسانی نبودند. کسی در آن حوالی به ما می‌گوید گاهی زائرانی از تبریز که به مشهد می‌آیند بر سر قبر سربازانی که اصالتی تبریزی دارند و در این گوشه دفن شده‌اند، می‌روند و فاتحه می‌خوانند. وقتی به سابقه نه چندان دور آرامگاه خواجه ربیع مراجعه می‌کنیم جایی به نام باغ دوم وجود نداشت. همه خواجه ربیع محدوده‌ای بود که در اطراف مقبره بزرگ خواجه ربیع وجود داشت و بس! ۴۰ سال پیش اصلاً باغ دومی وجود نداشت. به گفته یک شاهد محلی درباره قبرهای نظامیان ایرانی، ما جراح‌مخفیانه انجام شده است. او می‌گوید: «این قسمتی که اکنون کشته‌شدگان جنگ عمان را به خاک سپرده‌اند، جایی دورافتاده بود که شبانه تعدادی از ارتشی‌های شاه آمدند و چند تن از کشته‌شدگان جنگ ظفار را در همان قسمت دفن کردند.»

- شاهدان عینی چه می‌گویند؟**

بیژن کیا از سربازان ایرانی حاضر در عمان در کتاب ارتش تاریکی می‌نویسد: «مجروحان جنگی تحت نظر ساواک در چند بیمارستان ویژه بستری می‌شدند. اجساد سربازان ایران به وطن بازگردانده می‌شد ولی دستور اکید این بود که هیچ کس، حق بیان مطلبی در این باره ندارد. حتی رادیو و تلویزیون ایران در باره میزان تلفات سکوت کرده بود.»

برات آرمان فر، برادر «صراط آرمان فر» از سربازان کشته‌شده در ظفار هم چندی پیش در مصاحبه‌ای گفته بود: «برادرم ۲۰ سال داشت که کشته شد. زمانی که ما مخبر دادند، همه چیز را در روستایمان مهیا کردیم تا دفنش کنیم اما مأموران ارتش به ما گفتند: «همه می‌خواهند در مشهد دفن شوند؛ شما می‌خواهید جنازه را به شهر خودتان ببرید؟!»

خبرنگار آن زمان روزنامه کیهان که خود از شاهدان عینی نبرد ظفار بوده است، در مصاحبه با روزنامه ایران در سال ۷۶ می‌گوید: «به یاد دارم وقتی با یک هواپیمای نظامی به ظفار می‌رفتم، یکی از خدمه هواپیما با گریه گفت «در اوج جنگ، با هواپیماهای سی ۱۳۰ سرباز به جبهه می‌بردیم و در بازگشت با تعدادی جنازه به ایران بر می‌گشتیم و در باند خلوتی از فرودگاه مهرآباد و به‌دور از چشم دیگران به زمین می‌نشستیم تا مردم متوجه کشته‌ها نشوند. در هر پرواز سربازانی از گردان یا لشکر یکی از شهرها را به جبهه ظفار می‌بردیم و بسیاری از آن‌ها کشته می‌شدند. وقتی تیپ قوچان به ظفار اعزام شد، دوسوم افراد این تیپ مثل ساقه‌های گندم درو شدند که جنازه‌هایشان را به ایران برگردانیم.»

او تأیید می‌کند که دفن این افراد در محدوده آرامگاه و قبرستان خواجه ربیع نبود بلکه در زمین‌های اطراف آنجا بوده است: «روزگاری که هنوز این قسمت از خواجه ربیع زمین کشاورزی بوده است، در غربتی تلخ و به‌دور از چشم خانواده دفن شدند.»

- آرامگاه سربازان چه شده است؟**

به باغ دوم آرامگاه خواجه ربیع می‌رویم. امروزه گوشه‌ای از سمت چپ

پیروی از پیامبر اسلام(ص) و امیرالمؤمنین علی(ع)، عزلت و گوشه‌نشینی، تهذیب نفس، تحمل رنج و گرسنگی، سخاوت و همچنین به گوشه‌هایی از نصاب اخلاقی و عرفانی ربیع بن خثیم اشاره و داستان‌هایی در این باره از وی نقل کرده است.شمیم زهد در واقع شمارا با انسانی عادی که از دنیا دل بریده، آشنا کرده است و در دسترس بودن زهد را هویدامی سازد.■

باغ به این افراد اختصاص دارد. در حالی که هیچ تابلویی این گوشه تاریخی از آرامگاه را برای بازدیدکنندگان و مراجعان به این آرامگاه اطلاع‌رسانی نمی‌کند. پیرسان پیرسان محدوده‌ای را که سربازان ایرانی در آن‌ها سال‌هاست خفته‌اند، پیدا کردیم. نه تابلو و نه نشانه‌ای برای اطلاع‌رسانی محل دفن شدن جمعی از سربازان و درجه‌داران ارتش ایران در این محدوده دیده نمی‌شود. گفته می‌شود قبلاً تابلویی بوده و حالا برداشته شده است!

از پله‌ها پایین می‌رویم به کودکستان می‌رسیم. متولی توضیح می‌دهد که «اینجا مهدالرضاست. کودکستانی که محوریت آموزش‌هایش مسائل دینی و تربیتی است.»

روی قبرها را فرش کرده‌اند و از میان قالی‌ها هنوز قبر سربازان خودنمایی می‌کند. در اطراف هم چند بنر بزرگ با پیام‌هایی مذهبی نصب شده است که مخاطبانی بزرگسال می‌طلبد و مناسب گروه سنی زیر ۷۰ سال نیست. تنها نکته‌ای که این مکان را شبیه کودکستان می‌کند، فهرستی دست‌نویس است که اسامی بچه‌ها و عنوان کلاس‌ها را نوشته‌اند و همین!

- متولی پاسخ می‌دهد!**

حجت الاسلام نبئی، متولی آرامستان خواجه ربیع، است. برای فهمیدن علت تغییرات با او تماس می‌گیرم. او در ابتدا از فعالیت‌های فرهنگی اخیر در این آرامستان یاد می‌کند و می‌گوید: «احیای مناسبت‌های مذهبی به‌صورت باشکوه را در دست اقدام داریم. در مناسبت‌های اخیر از سخنران معروف کشوری مانند آقایان رفیعی، حیدری کاشانی و فرحزاد و همچنین مداحان نام‌آشنایی که در حرم مطهر برنامه اجرا کرده‌اند، دعوت داشته‌ایم و خوشبختانه استقبال خوبی از سوی مردم شده است.»

از این مسئول درباره سامان‌دهی قبور سربازان مدفون مرتبط با جنگ ظفار که می‌پرسم، می‌گوید: «تابه‌حال درباره سامان‌دهی این قبور اقدامی نداشتیم. الان در حال تعویض تمثال شهدای انقلاب و جنگ تحمیلی دفن شده در خواجه ربیع هستیم و درباره سربازان جنگ ظفار کاری نکرده‌ایم.»

وی به سؤال ما درباره حذف تابلوی معرف کشته‌شدگان جنگ ظفار این‌گونه پاسخ می‌دهد: «فضای دفن کشته‌شدگان ظفار را به مهدالرضا (ع) که مهدکودکی قرآنی است تغییر داده‌ایم. به نظر می‌رسد این‌گونه استفاده بهتری شده باشد. مهدالرضا (ع) برای کودکان منطقه-اعم از پسر و دختر- است. برای این عزیزان برنامه‌های آموزش قرآنی و تربیتی برگزار می‌کنیم و میزان استقبال هم عالی بوده است.»

نبئی به آمار شرکت‌کنندگان در برنامه‌های مهدالرضا(ع) که جایگزین محل دفن کشته‌شدگان جنگ ظفار اشاره می‌کند و می‌گوید: «حضور ذهن ندارم ولی به گمانم حدود ۵۰ نفر هستند.»

وی درباره هم‌جواری این کودکستان با مزارها و اقتضائاتی که دارد، گفت: «ورودی این مهد با آرامستان خواجه ربیع جداست و از گلشاد ۳ امکان تردد برای عموم است و درمی‌که به باغ دوم خواجه ربیع وجود ندارد برای استفاده همگانی نیست.»

- حرف آخر**

آیا در میان رویدادهایی که مشهد در سده‌های گوناگون شاهد آن بوده است، دفن شدن این افراد جای در خور توجهی ندارد؟ گروه‌های مردم‌نهادی که در پی حفظ تاریخ مشهد هستند در این باره چه می‌اندیشیدند؟ گروه تاریخ دانشگاه فردوسی چه نظری دارد؟ اندیشمندان و مسئولان فرهنگی شهر درباره اهمیت این قبور و تاریخی که در پی دارند چه می‌اندیشند. به نظر می‌رسد باید به این سؤالات جوابی دقیق داشت و سپس به تغییر کاربری قبور به مهدکودک اقدام کرد.■



این تصویر مربوط به سال گذشته است که سردر مزار کشته‌شدگان جنگ ظفار به نام آرامگاه شهدای عمان مزین شده است و در حال حاضر این تابلو حذف شده است.

۵

هفته نامه محلی مردم مشهد / شماره ۳۶۷ / یکشنبه / ۱۳۹۸-۰۱-۱۱

از خواجه ربیع تا شهدای منا

نام خواجه ربیع در تاریخ «ربیع بن خثیم» آمده است. او از طایفه بنی اسد و ساکن کوفه، از زمره زهاد هشتگانه صدر اسلام و تابعین (کسانی که صحابه پیامبر را درک کرده‌اند) و همچنین از یاران و سرداران علی بن ابی طالب (ع) بوده است. او در سال‌های پایانی خلافت امام اول به قصد انز و دوری از نزاع طرفین عراق را به قصد ایران و خراسان ترک کرده است. او در سال‌های پایانی عمر ساکن شهر نوغان (مرکز ولایت توس در آن زمان) شده و بالاخره در سال ۶۳ ه‍.ق یا به روایتی دیگر در سال ۶۱ درگذشته و در یک فرسنگی شمال نوغان دفن شده است.

- سیری در تاریخ آرامستان او**

شاه عباس صفوی در اوایل سده ۱۱ قمری با توصیه و مشورت شیخ بهایی دستور احداث مقبره‌ای باشکوه برای خواجه صادر کرد. اساس بنای فعلی مقبره خواجه ربیع همان است که در سال‌های ۱۰۲۶ تا ۱۰۳۱ ه‍.ق به امر شاه‌عباس و باسرپرستی یکی از سادات رضوی مشهد به نام «میرزا فلغ» احداث شده است. آرامگاه خواجه ربیع یکی از ابنیه زیبا، دیدنی و متبرک است که به همین علت همه‌وقت مورد توجه و مراجعه اهالی مشهد و زائران و مسافرانی است که به مشهد مشرف می‌شوند. با توجه به زمان درگذشت خواجه، وی از زمره قدیمی ترین رجال مدفون در اطراف شهر کنونی مشهد است. هم اکنون این بنا و آرامستان منتسب به او در انتهای خیابان خواجه ربیع واقع شده و این اثر در سال ۱۳۱۰ با شماره ثبت ۱۴۲ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

- نمایی از جنس کتیبه**

روستایی که باغ آرامگاه خواجه در آن واقع شده «حسین‌آباد خواجه ربیع» نام دارد و از جمله موقوفات مزار خواجه است. اداره باغ و مزار خواجه ربیع سال‌ها قبل به آستان قدس رضوی واگذار شد. بقعه خواجه ربیع از نظر هنری نیز جایگاه بالایی دارد زیرا کاربرد کاشی‌های الوان در نمای خارجی، نقاشی‌های طلایی‌رنگ بر رویه دیواره داخلی و نیز دو کتیبه به خط علیرضا عباسی (خوشنویس بزرگ عهد صفوی) جلوه خاصی به آن بخشیده است. این دو کتیبه زیبا با تاریخ‌های ۱۰۲۶ و ۱۰۳۱ ه‍.ق در داخل گنبد و ساقه خارجی آن سال‌های احداث و تزئین بنا را می‌نمایاند. کاشی‌کاری بنا از نوع یکرنگ و معرق و زیررنگی است که نقش‌های زیبایی هنری و گیاهی و کتیبه‌ها را شکل داده‌اند.

- دفن شدگان مشهور**

آنانی که رحل اقامت از دنیا بر گرفته‌اند به‌خانه ابدی‌شان رهسپار شده‌اند. رفتگانی که در بستر آرامستان خواجه ربیع دفن شده‌نیز مثل هر رفته‌ای دیگر با خود پارچه کفنی برده و نهایت کمتر از دو متر خاک، پارچه و خاک هم عاری‌ه‌ای است و بعد از چندسالی از آن‌ها به‌قاعده طبیعت و قانون گرفته می‌شود. میان قبور دفن شدگان که راه می‌روی عناوین متعددی می‌بینی. از دکتر و مهندس تا شخصیت‌های دینی و ادبی و مشاغل دیگر؛ اما شاید در میان دفن شدگان شخصیتی به شهرت شیخ احمد کافی وجود نداشته باشد. او سخنوری نام‌آشنا برای مردم ایران بود و در دوره پهلوی پرچم مبارزه با بهائیت و احیای توجه عمومی به امام‌عصر را بر شانه داشت. سخنرانی‌هایش شهره میان عوام و خواص بود و تا چندسال قبل که به حرم می‌رفتیم از بیشتر نورافروشی‌های مذهبی صدای پرسوز او شنیده می‌شد. ماجرای فوت و یا بهتر بگویم شهادت شیخ احمد کافی از جمله رویدادهایی است که عشق مذهبی مردم را در دوره پهلوی به‌خوبی نشان داد. بعد از کش و قوس‌های فراوان بدن بی‌جان کافی به خواجه ربیع می‌رسد و در کنار مزار مرکزی این آرامستان دفن می‌شود. صدای او از بلندگو‌هایی که در کنار مقبره‌اش برپا شده هنوز گوش‌نوازا اهل دل است.

آن‌سوتر اختصاص به شهدای جنگ تحمیلی دارد. قبرها با پنجره‌هایی فلزی که مزین به تصویر شهید و پرچم ایران است از دیگر قبور متفاوت بنا گذاشته شده است. در اطراف بارگاه خواجه ربیع و گوشه‌های دنج که بگردی شهدای انقلاب اسلامی راهم می‌توان یافت. آنانی که با خونشان درخت انقلاب اسلامی را به ثمر نشان‌دند.

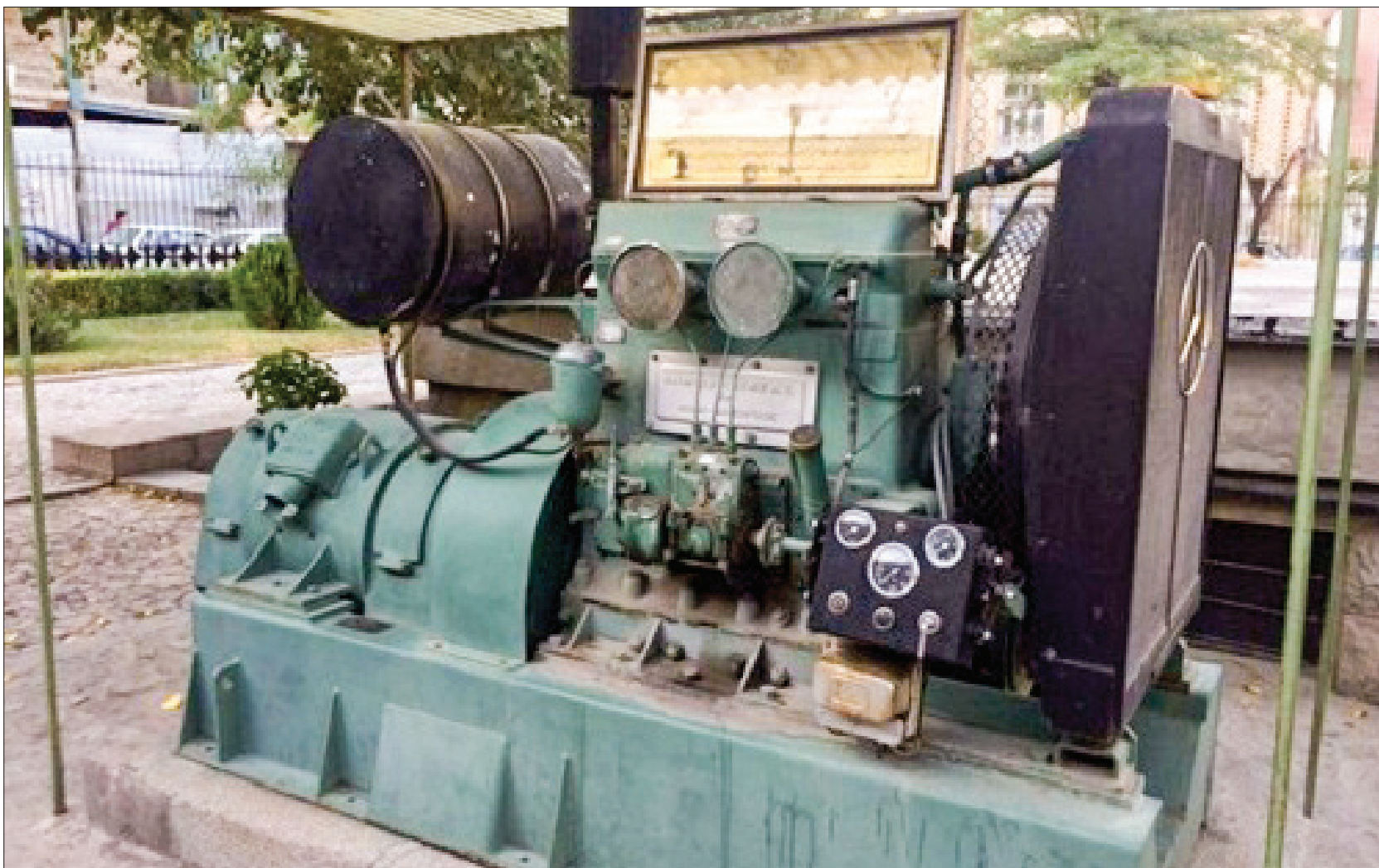
چند سالی است که دیگر کمتر شنیده می‌شود در باغ اول این آرامستان کسی دفن شود. هر چند باغ دوم که از دهه ۸۰ میزبان رفتگان شده است این روزها آرام‌آرام به سمت تکمیل ظرفیت پیش می‌رود. در باغ دوم شاهد رفتگانی نام‌آشنا هستیم که از میان آن‌ها می‌توان به شهید حسن قاسمی دانا، شهید مدافع حرم، اشاره کرد. با آغاز جنگ سوریه شهید هم لباس رزم پوشید و در فروردین ۹۳ به‌طور داوطلبانه به آن کشور رفت. در همان مدت کوتاهی که در آنجا بود لیاقت‌های بی‌شماری را از خود نشان داد؛ اما طولی نکشید که در عملیاتی که شامل پاک‌سازی خانه به‌خانه بود با اصابت چند گلوله به شهادت رسید. پیکر پاکش هم‌زمان با سالروز وفات حضرت زینب (س) در مشهد تشییع و در خواجه ربیع به خاک سپرده شد. از دیگر برجستگانی که میهمان ابدی باغ دوم این آرامستان هستند می‌توان به آیت‌ا... محمد حسین سیبویه، استاد درس خارج فقه و از علمای سطوح عالی حوزه علمیه خراسان، اشاره کرد. پیکر این عالم ربانی ۱۴ آبان سال ۹۴ از محل حسینیه نجفی‌های مقیم مشهد واقع در کوچه چهارباغ با حضور علمای حوزه علمیه خراسان تشییع و در نهایت پس از طواف و خطبه خوانی و ادای نماز میت به آرامگاه خواجه ربیع انتقال و دفن شد.

از دیگر مدفونان باغ دوم می‌توان به جمعی از شهدای منا اشاره کرد. ۳ نفر از شهدای منادر خواجه ربیع دفن شده‌اند.

تاریخی‌ترین افرادی که در بخش باغ دوم دفن شده‌اند کشته‌شدگان جنگ ظفار هستند که گزارش کامل آن را در همین صفحه می‌توان خواند.

- پی‌نوشت**

به احتمال قوی رفتگانی از شما که هم‌اکنون این گزارش را می‌خوانید در این آرامستان دفن شده‌اند. بیا بید باقرانت فاتحه و کارهای خیر آن‌ها را بخونند کنیم.■



ماجرای موتور برق عتیقه مرسدس بنز و تأمین روشنایی باغ نادری

آهن قراضه با ارزش

هم محلی

می گویند باغ موزه نادری تنها پارک و باغی بود که داخلش چراغ داشت و از شب تا صبح روشن بود. درست زمانی که در دهه ۵۰ شرکت برق منطقه ای خراسان راه افتاد و کارخانه های برق جمع شدند و وظیفه تأمین روشنایی خانه ها بر دوش نیروگاه مشهد و واحدهای این افتاد، موتور برق دیزلی باغ نادری هم جمع و این مجموعه هم به شبکه برق سراسری متصل شد. حدود ۴۰-۵۰ سال بعد، موتور برق مرسدس معروف باغ موزه که احتمالاً تعداد انگشت شماری از آن در دنیا پیدا می شود، از دل انبار باغ نادری بیرون آمد و قرار بود که به عنوان آهن قراضه به ضایعاتی هافر وخته شود که مدیران وقت این موزه پی به ارزش این موتور برق تاریخی بردند و جلوی این کار را گرفتند. شرایط نامناسب نگهداری در طول این سال ها باعث شده بود که موتور برق مرسدس به طور جدی آسیب ببیند و به بازسازی نیاز باشد. کار بازسازی و مرمت این موتور برق به هاشم نساج کریمی، پدر ماشین های کلاسیک ایران سپرده شد. کسی که موزه خودروی ایران را تأسیس کرد و کارش بازسازی خودروهای قدیمی است. آخرین کاری بهتر بگویم شاهکارش هم بازسازی مسکوویچ معروف دکتر علی شریعتی بوده است. ادامه ماجرای بازسازی موتور برق دیزلی مرسدس را از زبان خود نساج بخوانید: «از زمانی که آمدم باغ نادری، به من گفتند می خواستند این موتور برق را به همراه بقیه ضایعات آهنی بفروشند که جلوی شان را گرفته اند. این موتور واقعاً ارزشمند است و لنگه اش شاید در دنیا پیدا شود. آلمانی ها به این موتور برق های گویند بسیار. زمان جنگ جهانی دوم تعداد زیادی از این ها را از زیر خاک در آوردند و به کار گرفتند. وظیفه این ها تأمین برق خطوط جنگی بود. یکی از همین موتور برق ها را می گذاشتند پشت کامیون و هر جا که نیروهای رفتند، پشت سرشان حرکت می کرد. بعد از جنگ هم این ها را به کشورهای دیگر می فروختند. چون به درد برق رسانی به مکان های کوچکی مثل باغ نادری می خورد. این موتور برق را که از انبار بردیم، دینام و رادیاتورش خراب بود و ظاهرش هم به رنگ آمیزی نیاز داشت. جالب بود که آرم بنز روی رادیاتورش بعد این همه سال هنوز سالم بود. خیلی گشتم تا یک اوستا کار وارد به این موتورها پیدا کردم و افتادم به جان این موتور برق دیزلی تا درستش کنیم. هیچ اطلاعات تاریخی هم از این نوع موتورها نداشتم. در سایت های خارجی و ایرانی این قدر دنبال گشتم تا بالاخره همین چیزهایی که گفتم رایفتم. تقریباً ۶،۷ ماه طول کشید تا موتور برق مرسدس سرپاشد و ما هم آن را صحیح و سالم، مثل روز اولش، تحویل مسئولان باغ نادری دادیم. یادم هست زمانی که روشنش کردیم، یک دود سفید همه باغ را برداشت. راستش برای خودم در این کار هیچ دستمزدی نگرفتم چون برای تاریخ شهرم کار کردم و فقط پول آن اوستا کار را دادم.»

یکی از عجیب ترین چیزهایی که می توانید در باغ نادری پیدا کنید، یک موتور برق عتیقه با آرم مرسدس بنز در گوشه ای پرت از باغ است که نه اطلاعات درست و حسابی و به دردی بخوری روی پلاک برنجی چسبیده به آن نوشته اند و نه راهنمایان موزه درباره اش توضیح در خوری به بازدیدکنندگان می دهند تا هیچ کس از فلسفه وجود این جسم سبز به نسبت عظیم الجثه در باغ نادری سر در نیابد و طرفش نرود. حتی مسئولان باغ نادری را هم شمتات کنند که چرا چنین وسیله بی ربطی را آورده اند و وسط باغ و منظره اش را خراب کرده اند. در حالی که این موتور برق بخشی از تاریخ برق در شهر مشهد است و حدود ۴-۵ سال پیش از وسط آهن قراضه های انبار باغ موزه نادری که قرار بود به ضایعاتی هافر وخته شود پیدا و مرمت شد تا در این موزه وایتگر بخشی از تاریخ برق مشهد و نحوه تأمین روشنایی باغ نادری باشد که نشد.

اولین کسی که پای برق را به مشهد باز کرد، حاج محمدباقر میلانی بارضایوف بود که در زمان مظفرالدین شاه یک موتور برق زغال سنگی انگلیسی خرید و وقف حرم امام رضا (ع) کرد. بعد از او هم حاج امیر رضوی موتور برق دیگری خرید و به حرم بخشید تا این دو وسیله نزدیک به ۳۰ سال بار تأمین برق حرم و بخشی از شهر را به دوش بکشند. تا قبل از سال ۱۳۳۶ که شرکت برق منطقه ای خراسان تشکیل شود، برق مشهد و خانه های مردم را کارخانه های برق خصوصی مثل خسروی، جواهری، عشرت آباد و جعفرزاده تأمین می کردند. مثلاً قیمت کنتور برق جواهری که ارزان ترین برق مشهد بود به ۲۰۰ تومان می رسید و هزینه نصب هم ۱۵ تومان بود. طبق اسناد موجود برق جواهری حدود ۵ هزار کنتور تک فاز داشت و برق خیابان های خواجهریغ، کوچه حسین باشی و سعیدآباد را تأمین می کرد. اما هیچ کدام از کارخانه های برق مشهد نتوانستند از عهد و شتابی باغ نادری بر بیایند. چون قرار بود همه باغ به سبک پارک های اروپایی شب ها تا خود صبح با نور چراغ روشن باشد که دستگاه های بعضاً قدیمی کارخانه های برق و ظرفیت محدودی که داشتند، توانایی روشن نگه داشتن باغ نادری را در شب از آن ها گرفته بود. مسئولان آنجمن آثار ملی ایران و متولیان باغ نادری در مشهد تصمیم می گیرند که خودشان مستقل از کارخانه های برق مشهد، روشنایی و برق آرامگاه نادرشاه افشار را تأمین کنند. ثمره این تصمیم خرید یک موتور برق دیزلی مرسدس بنز از آلمان شد. موتور برقی که توان محدودی داشت و فقط می توانست محوطه باغ نادری را روشن نگه دارد و برقی که این مجموعه نیاز داشت تأمین کند. آن طور که قدیمی های محله هاشمی نژاد



محمد کامران دبیر شهر آرا منطقه ۱۰

قدیمی های محله هاشمی نژاد می گویند باغ موزه نادری تنها پارک و باغی بود که داخلش چراغ داشت و از شب تا صبح روشن بود



هفته گذشته مراسم تکریم و معارفه مسئول حراست منطقه ۳ برگزار شد. به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه ۳ مشهد، حجت فرقانی با اشاره به رسالت و وظیفه واحدهای حراست در سازمان گفت: بالندگی، شکوفایی و پیشرفت سازمان، مستلزم وجود محیطی امن، سالم، منظم و پویاست و حراست با توجه به وظایف و کارکردهای

ذاتی خود، نقشی مهم در این باره ایفا کرده است. وی اظهار کرد: اولویت حراست مبتنی بر پیش بینی و پیشگیری است و حراست تلاش خواهد کرد به عنوان مشاور و امین برای مدیران و کارکنان ایفای نقش کند. در این جلسه ضمن قدردانی از فعالیت های ارزشمند رضا جمالی، سعید دهنوی به عنوان مسئول جدید حراست منطقه ۳ منصوب شد.

به همت کارگروه جوانان شورای اجتماعی محلات گاز و مسلم

یادواره شهید اسداللهی برگزار شد

در محله

یادواره شهید مدافع حرم حمیدرضا اسداللهی هفته گذشته به همت شورای اجتماعی محلات گاز، مسلم و حوزه مقاومت بسیج ۱۲ ابوذر در مسجد پنج تن آل عبا برگزار شد.

۵۹

فیضی



به گزارش شهرآرامحله، شعبانعلی اسداللهی پدر حمیدرضا اسداللهی شهید مدافع حرم اهل بیت (ع) که سال ۱۳۹۴ در خان طومان سوریه به شهادت رسیده است در این مراسم به بیان خاطره پرداخت و گفت: «حمید آقا ۸ سال کارمند رسمی وزارت بهداشت بود، در سال ۱۳۹۰ خداوند توفیق داد من و یسرم به سفر حج مشرف شویم، او در این سفر به من گفت «می خواهم از وزارت بهداشت بیرون بیایم.» من با او مخالفت کردم و گفتم «بابا، الان شما در موقعیت خوبی قرار دارید، شاید بالای ۹۰ درصد از جوان ها آرزو دارند به جای شما این پست را داشته باشند، شما بیمه اید و حقوق ثابت دارید، آینده شغلی شما تأمین است.» خنده سردی به من کرد و گفت «بابا، روزی ما دست خداست، وزارت بهداشت و دیگر موقعیت ها در برابر قدرت و تقدیر خداوند معنایی ندارد.» به او گفتم «تصمیم شما برای ادامه زندگی بعد از اینکه استعفا دادید، چیست؟» مستقیم به من حرفی نزد، اما گفت «من وقتی در وزارت بهداشتم از خود اختیاری ندارم و آزاد نیستم، حتی برای یک اردوی جهادی که می خواهم بروم باید چند نفر را ببینم، من در سال حد اکثر سه بار می توانم در کارهای فرهنگی مثل اردوهای جهادی حضور یابم.»

وی ادامه داد: «همان طوری که به فرزندش در وصیت نامه اشاره کرده است کارهایش را بر پایه زندگی برای امام زمان (عج) قرار داد، از سفر که برگشتیم استعفا خود را امضا کرد و فعالیت خود را بیش از پیش برای مولایش امام زمان (عج) شروع کرد. حاج حمید کار اداری خودش را رها کرد تا بتواند آزاد باشد و راحت کار کند، پژوهش های قرآنی و مهدوی خود را شروع کرد و عضو خادم پژوهشی افتخاری مسجد جعفریان شد.»

پدر شهید در ادامه بیان کرد: «تشکلی را با دوستان خود برای کارهای جهادی راه انداخت و فعالیت خود را در گروه های جهادی شروع کرد؛ شبی در جمع خانوادگی می خواست چیزی بگوید، اما بغضی در گلویش بود و سخت می توانست حرف بزند، گفت «بابا، ما در تهران تمام امکانات در اختیار ما است، هر چیزی بخوایم به دست می آوریم، غافل از اینکه برای تهیه همین نان و گوشت افرادی هستند در روستاهای دور افتاده که به سختی می توانند کار کنند و همین گوشت را بخزند، آن ها حدود ۷۰ سال از سنشان می گذرد و به جرت می شود گفت یک بار هم به زیارت مولای علی بن موسی الرضا (ع) نرفته اند و آرزو دارند یک بار هم که شده است به این سفر بروند، اما به دلیل مشکلات مختلفی از جمله مسائل مالی نمی توانند مشرف شوند.»

حاج حمید هزینه های سفر افرادی را که نمی توانستند به مشهد بروند تأمین می کرد و چون دغدغه فرهنگی داشت، با طلبه ها صحبت می کرد و همراه کاروان آن ها را می فرستاد. «شعبانعلی اسداللهی در ادامه به فعالیت های بیرون

مرزی فرزند شهیدش اشاره کرد و گفت: «ارتباط های بیرون مرزی اش را به لبنان، یمن، عراق و پاکستان افزایش داد، زمانی که مادر شهید عماد مغنیه شهید حاج حمید شهید شده است برای مراسم حاج حمید به ایران آمد و گفت: «اگر ایشان شهید نمی شد من تعجب می کردم.»

شهید اسداللهی چه کسی بود؟

حمیدرضا اسداللهی پانزدهم بهمن ماه سال ۱۳۶۳ در تهران به دنیا آمد. او در سن ۱۸ سالگی کارشناسی ادبیات عرب ادامه داد و سپس در دانشگاه تهران در همان رشته در مقطع کارشناسی ارشد ثبت نام کرد. حمیدرضا یکی از اعضای اصلی مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی محسوب می شد تاکنون اقدامات و فعالیت های گسترده ای در عرصه های تربیتی و فرهنگی در کشورهای چون پاکستان، عراق و لبنان سامان دهی و مدیریت کرده بود.

اسداللهی در سرزمین کربلا و سر بازی حریم آل... (ع) در منطقه سوریه، دوستانی از کشورهای اسلامی پیدا کرده بود. او قاری قرآن، محقق و پژوهشگر قرآنی، بسیجی، جهادگر، نخبه و فعال بین المللی بود. در جوانی به استخدام سپاه پاسداران درآمد و همواره سعی کرد تا به نیازمندان کمک کند. اسداللهی برای دفاع از حریم اهل بیت (ع) به سوریه رفت و در شهر حلب در روز بیست و نهم آذرماه سال ۱۳۹۴ در سن ۳۱ سالگی به آرزویش رسید. اصابت ترکش خمپاره به گردن او را به وصال حق رساند. از این شهید والا مقام ۲ فرزند به یادگار مانده است.

محدثه ربانی، نماینده جوانان شورای اجتماعی مسلم، در حاشیه این مراسم بیان کرد: «مدتی قبل کارگروه جوانان شورای اجتماعی محله مسلم و گاز را با حضور جوانان راه اندازی کردیم و نام این گروه را به نام شهید مدافع حرم حمیدرضا اسداللهی می زین کردیم.»

وی در ادامه بیان کرد: «شهید اسداللهی سبک زندگی متفاوتی داشت و جوانان محله کتاب و منابع مختلفی در باره این شهید مطالعه کردند و مشتاق بودند تا با خانواده شهید که در شهر تهران سکونت دارند بیشتر آشنا شوند. به دنبال فرصتی بودیم تا این ارتباط را برقرار کنیم هفته گذشته هم زمان با سالروز شهادت شهید اسداللهی یادواره ای در مسجد پنج تن آل عبا واقع در خیابان مسلم ۶ برگزار کردیم و از خانواده شهید نیز دعوت کردیم و در جمع ما حضور پیدا کردند.»

نماینده جوانان شورای اجتماعی محله مسلم خاطر نشان کرد: «کارگروه جوانان شهید اسداللهی پس از این مراسم با قوت بیشتری برای حل مشکلات محله خود گام برمی دارند و امیدواریم مسئولان در کنار ما باشند و ما را یاری کنند.»

V

هفته نامه محلی مردم مشهد / شماره ۳۶۷ / یکشنبه / ۱۷ آذر ۱۳۹۸

آی خبر

از ۱۱۲۸ مورد تخلف ساختمانی طی ۳ ماه جلوگیری شد

با تلاش اداره مهندسی و نظارت بر ساخت و سازهای منطقه ۳

۱۰

طی ۳ ماه گذشته، از ۱۱۲۸ مورد تخلف ساختمانی در منطقه ۳ شهرداری جلوگیری شد. به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه ۳، حجت فرقانی، شهردار منطقه، با اعلام این خبر در باره جزئیات اقدامات منطقه ۳ در برخورد با تخلفات ساختمانی گفت: تنها در آبان ماه سال ۹۸ با ۳۵۰ مورد تخلف ساختمانی برخورد شده است که این رقم نشانگر دقت نداشتن شهروندان به مسائل قانونی است.

شهردار منطقه ۳ مشهد در ادامه افزود: اداره مهندسی و نظارت بر ساخت و سازهای منطقه ۳ در شهر یورماه با ۴۰۹ تخلف و در مهرماه با ۳۶۹ مورد تخلف برخورد کرده است که این نشان دهنده عزم جزم شهرداری بر پیشگیری از افزایش نفوذ ساخت و سازهای غیر مجاز و خطر آفرین در منطقه است. وی مصادیق ساخت و سازهای غیر مجاز برای پلمب قانونی را که در این بازه زمانی تعداد ۸۴۴ مورد بوده است، مشمول ساخت آلونک، دیوارکشی و احداث بنای فاقد ضابطه، مغایر با پروانه ساخت مانند احداث طبقات و واحد غیر مجاز، تأمین نشدن پارکینگ، پیشروی طولی و ارتفاع غیر مجاز و... بیان کرد و از شهروندان خواست تا با طی مراحل قانونی و دریافت پروانه ساخت مأمی ایمن برای خود و خانواده شان تدارک ببینند.

حجت فرقانی یکی از دیگر از فعالیت های کاری اداره نظارت بر ساخت و سازها را پیشگیری از عدول دارندگان پروانه ساخت از میزان تعیین شده در پروانه قانونی دانست و در این باره تصریح کرد: کنترل موارد مغایر با پروانه ساخت مانند احداث طبقات و واحد غیر مجاز، تأمین نکردن پارکینگ، پیشروی طولی و ارتفاع غیر مجاز و... نیز از دیگر اقدامات روزانه کاری در منطقه ۳ است که در این باره نیز تخلف ثبت و به مالکان اخطار لازم داده شده است.

شهردار منطقه ۳ در پایان با تأکید بر برخورد جدی و بدون تعارف با متخلفان ساختمانی از شهروندان درخواست کرد تا روال قانونی اعم از استعلام برای خرید زمین و سپس دریافت پروانه و پایان کار را در دستور کار خود قرار دهند تا از تحمیل هزینه های بیشتر به شهر به دلیل گسترش احتمالی مشکلات ناشی از این ساخت و سازها برای خودشان و دیگر شهروندان بکاهد.



هم صدا با توان یابان

هفته گذشته هم زمان با روز جهانی معلولان شهردار منطقه ۳ ضمن دیدار با ۲ خانواده توان یاب منطقه، همراه با شهناز راماز، عضو شورای شهر، از کلینیک مددکاری ایمان بازدید کرد.



آخرین خبر



۱۱

۵۰۰ میلیون تومان هزینه اقدامات ترافیکی در منطقه ۳

شهردار منطقه ۳ مشهد از خط کشی بیش از هزار متر مربع از معابر منطقه خبر داد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه ۳، حجت فرقانی در این باره گفت: برای تأمین امنیت عبوری شهروندان و جلوگیری از تصادفات وسایل نقلیه شهری، از سوی شهرداری منطقه بیش از هزار متر مربع از معابر عابر پیاده خط کشی شده است. وی تصریح کرد: همچنین ۸ هزار متر طول از معابر منطقه خط کشی محوری با رنگ سرد در راستای افزایش انضباط ترافیکی انجام شده است. شهردار منطقه ۳ مشهد ادامه داد: افزون بر اقدامات انجام شده ۷۵۰ متر مربع سرعت گیر و سرعت کاه با ایمن سازی محیطی در منطقه احداث شده است. فرقانی در باره نصب تابلو و تجهیزات ترافیکی در منطقه بیان کرد: همچنین ۴۵۰۰ عدد تابلو و تجهیزات ترافیکی برای روان سازی ترافیک و افزایش ایمنی شهروندان در منطقه نصب شده است. به گفته شهردار منطقه ۳ کلیه پروژه ها و اقدامات ترافیکی که از سوی شهرداری انجام شده، بیش از ۵۰۰ میلیون تومان هزینه در برداشته است.



۱۲

سقوط پل عابر پیاده ۲ زن و ۵ مرد مصدوم شدند

پنجشنبه گذشته بر اثر برخورد یک دستگاه کامیون با پل عابر پیاده در بزرگراه شهید چراغچی، این پل سقوط کرد.

به گزارش شهرآرامحله، در پی سقوط پل عابر پیاده در بزرگراه شهید چراغچی، آتشپاد دوم امیر عزیزی، مدیر عامل سازمان آتش نشانی مشهد، بالا بودن کمپرس کامیون را علت حادثه دانست و گفت: در بررسی های اولیه از سوی کارشناسان، مشخص شد بار کامیون به دلیل نامعلومی بالا بود که راننده بدون توجه به آن، به شدت با پل برخورد می کند و به سقوط پل به سطح بزرگراه منجر می شود. رئیس روابط عمومی مرکز حوادث و فوریت های پزشکی مشهد نیز در همین باره گفت: در این حادثه ۵ مرد و ۲ زن مصدوم شده اند. وی افزود: ۳ دستگاه آمبولانس به محل حادثه اعزام شدند که برخورد کامیون با پل عابر پیاده نیز علت اعزام بوده است. فوایی نژاد در باره محل حادثه گفت: این پل عابر پیاده بین شهید چراغچی ۸ و ۱۰ قرار دارد و ساعت ۱۰:۲۹ به محل حادثه آمبولانس اعزام شد.



۱۳

آواها و نواها در فرهنگ سرای قرآن و عترت

کلاس آموزش قرآن کریم پنجشنبه های هر هفته در فرهنگ سرای قرآن و عترت برگزار می شود.

به گزارش شهرآرامحله، حمیدرضا سیاح، کارشناس فرهنگی فرهنگ سرای قرآن و عترت، در این باره گفت: جلسه آموزش قرآن کریم ویژه پسران ۱۰ تا ۱۶ سال پنجشنبه های هر هفته در نمازخانه فرهنگ سرای قرآن و عترت به صورت رایگان برگزار می شود. وی در ادامه افزود: با پیگیری های فرهنگ سرا توانسته ایم استاد پنجه را برای آموزش قرآن کریم دعوت کنیم که می توان به مقام های وی از جمله مقام دوم مسابقات دانشجویان ایران سال ۱۳۸۴ و مرحله کشوری مسابقات قرآن اوقاف در سال ۱۳۹۰ اشاره کرد. سیاح خاطر نشان کرد: از دانش آموزان علاقه مند به قرآن دعوت می شود برای شرکت در این کلاس ها به فرهنگ سرای قرآن و عترت مراجعه و ثبت نام خود را کامل کنند و سپس در کلاس های روخوانی و روان خوانی، صوت و لحن، تجوید قرآن و مؤذنی شرکت کنند. گفتنی است این کلاس ها پنجشنبه های هر هفته ساعت ۱۴ در محل فرهنگ سرای قرآن و عترت میزبان قرآن آموزان خواهد بود.

حرف مردم

این ستون به حرف مردم و پیام های ساکنان منطقه اختصاص دارد. شهروندان می توانند مشکلات محله خود را با شماره تماس ۳۷۲۸۸۸۱۱ و پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹ یا مادر میان بگذارند تا آن را به گوش مسئولان برسانیم.

پلاک نداریم!

۰۹۳۰۰۰۰۰۴۴۵: شهرآرامحله عزیز منازل خیابان شهید خزانه داری ۲۷ هیچ کدام پلاک کوبی نشده است، منتظر پیگیری و حل این مشکل از طرف شما هستیم.

به خیابان ما هم سر بزنید

۰۹۱۵۰۰۰۰۲۴۸: از شهردار محترم منطقه ۳ درخواست دارم از خیابان شهید خزانه داری ۱۹ بازدیدی داشته باشد.

پارکینگ کامیون در دل محله

شهروند: زمینی در ابتدای طبرسی شمالی جنب ایستگاه مترو مدت زیادی است، رها شده اگر کاربری خاصی دارد چرا اجرا نمی شود. اکنون به پارکینگ کامیون های سنگین تبدیل شده است و واقعا امان اهالی را بریده است.

خیابان های مردس ساز

حسینی: آسفالت خیابان رسالت ۶۶، بن بست اول، سمت راست، به مرمت نیاز دارد یا کوچک ترین بارانی که می آید چاله های بزرگ کوچه پر آب می شود و رفت و آمد شهروندان به ویژه دانش آموزان را مختل می کند. از شهردار منطقه ۳ درخواست رسیدگی دارم.



مردمک

اشتیاق تک درخت بولوار مجلسی غربی به آفتاب

۱۴

فیضی

